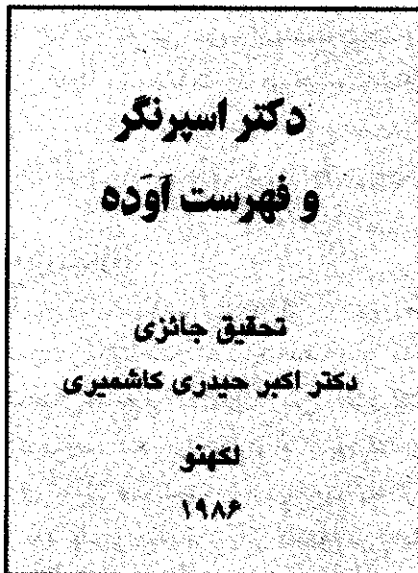


## دکتر اسپرنگر

### وفهرست آوده\*

نوشته 'اکبر حیدری کاشمیری

تلخیص و ترجمه از: ابوالقاسم رادفر



تحقیقی جائزی (بررسی تحقیقی). دکتر اکبر حیدری کاشمیری، لکهنو، سرفرازی قوم پریس، ۱۹۶۸.

انجمن تحصیلات متوسطه در ترویج و گسترش علوم غربی از طریق زبان اردو فعالیت بسیار کرد و در تشویق دانشجویان برای فراگیری علم و تعلیم آنان در رشته های علوم شرقی بسیار یاری گر و بلکه به منزله روح و روان بود. او برای ترقی و اصلاح کالج دهلی با شوق و آمادگی بسیار کارکرد و در تعلیم کتابهای درسی، بویژه در درس بخشهای شرقی اصلاحات اساسی و معقول انجام داد؛ چنانچه در جهت تدوین کتاب درسی، تاریخ

\* مقاله حاضر ترجمه و تلخیص یکی از مقالات کتاب است.

دکتر اسپرنگر در سوم سپتامبر سال ۱۸۱۳ م. در تیروول متولد شد. نام پدرش کریستوفر اسپرنگر بود. او در انسبروک به دنیا آمد و در پاریس درس خواند و علوم شرقی و طب آموخت. پس از فراغت از تحصیل در سال ۱۸۳۸ م. به لندن رفت و در آنجا مقیم شد. در سال ۱۸۴۱ م. از دانشگاه لیدن درجه دکترا در طب گرفت و سپس در سال ۱۸۴۳ م. در بخش خدمات پزشکی کمپانی هند شرقی استخدام و پس از یک سال یعنی در سال ۱۸۴۴ م. رئیس کالج اسلامی دهلی شد. پس از سه سال اقامت در دهلی از سال ۱۸۴۸ تا ۱۸۵۰ در لکهنو به عنوان معاون تشریفات کار کرد. سپس رئیس کالج اسلامی «هگلی» شد و از سال ۱۸۵۱ تا ۱۸۵۴ از طرف حکومت هند مترجم فارسی و در ضمن منشی انجمن آسیای بنگال نیز بود. در ۱۸۵۷ از شغل اداری بازنشسته شد و بعد از آن در «بیرس» عنوان پروفیسور زبانهای شرقی یافت. سرانجام در ۸۰ سالگی در «هایدلبرگ» در تاریخ ۱۹ دسامبر سال ۱۸۹۳ فوت کرد.

اسپرنگر کتابهای زیادی نوشت؛ از آن جمله در زبان انگلیسی کتابهای گرامر هندوستانی، تاریخ محمود غزنوی، زندگانی حضرت محمد(ص) و جغرافیای قدیم هریستان قابل ذکرند. علاوه بر تألیف این کتابها، او بیست و پنج زبان را خوب می دانست و در ادبیات و علوم شرقی نیز مهارت کامل داشت و در رشته روزنامه نگاری نیز استاد بود. هنگامی که در دهلی برای نخستین بار نشریه هفتگی منتشر شد، اسپرنگر به عنوان ویراستار در دفتر نشریه به کار پرداخت.

### اسپرنگر و کالج دهلی

دکتر اسپرنگر بسیار تیزهوش، زحمتکش و سختکوش و صاحب صلاحیتهای برجسته ای بود. او به علوم شرقی عشق می وزید و در حدود سه سالی که وی رئیس کالج دهلی بود، این دانشکده بسیار ترقی کرد. دکتر عبدالحق درباره پیشرفت کالج چنین می نویسد:

«از آنجا که اسپرنگر به زبان و ادب عربی تسلط داشت، بزودی در میان اهل علم و بزرگان دین در دهلی موقعیتی یافت و در شهر احترام و آبروی بسیار به دست آورد. دیگر اینکه در

یمینی را تصحیح کرده، به چاپ رسانید. همچنین نسخه‌های حماسه‌متنبی را گرد آورد و جزو کتابهای درسی عربی قرار داد. دکتر اسپرنگر علاوه بر فارسی و عربی به زبان اردو نیز بسیار توجه و عنایت داشت و به تمام رشته‌های ادب علاقه مند بود. گذشته از تحقیق و نقد، با اصول نگارش و فن‌نثر نیز آشنا بود و تکلف در نوشته یعنی طرز تحریر مسجع مقفی را نقص می‌پنداشت و طرز بیان ساده و روان را ترجیح می‌داد. اسپرنگر در گزارش کالج دهلی به سال ۱۸۴۵-۴۶ مخالفت خود را با طرز تحریر مُشیانة مولوی و مسجع و مقفی با این عبارات بیان کرده است:

«مولوی صاحب که توسط شاگردان خود متون را از فارسی و عربی ترجمه می‌کرد، با اینکه در اکثر موارد، شاگردانش مطابق دستور و سرمشق استاد خود عمل می‌کردند، اما ترجمه‌ها را به اندازه‌ای لفظ به لفظ انجام داده که گویی با مفاهیم متن آشنا نبوده است. ازین روست که طرز تحریر شاگردان او و مولویان بدشکل و نازیبا و از لحاظ زبانی بی‌مزه و اشتباه است و طرز تعلیم اندیشه‌هایش محدود شده است. او می‌خواست تمام نارساییهای رشته‌های علوم شرقی را قبل از همه اصلاح کند و برای من یقین است که بعد از آن در آزمایش دیگر ترقی حاصل می‌شود.»<sup>۱</sup>

### اسپرنگر و فهرست آوده

اسپرنگر در ششم دسامبر سال ۱۸۴۷ از سوی حکومت هند مأمور خدمت در لکهنو شد. قصد و هدف از این مأموریت این بود که او فهرستی جامع از کتابهای فارسی و عربی کتابخانه‌های شاهان آوده فراهم کند. در حکم او آمده بود که او صرفاً به کتابخانه‌های شاهان آوده بسنده نکند، بلکه در آنجا از هر فرصتی استفاده کرده و بهترین کتابخانه‌های خصوصی لکهنو را دیده و فهرست کتابهای ارزشمند و نایاب آنها را فراهم آورد.

اسپرنگر در سوم مارس سال ۱۸۴۸ م. خود را به لکهنو رساند و تا یکم ژانویه سال ۱۸۵۰ در آنجا اقامت کرد. پس از یک ماه کار به مدت سه ماه بیمار شد، ولی به هر صورت بود در مدت کوتاه یک سال و شش ماه فهرست را مرتب کرد. در چنین زمان کوتاهی او ده هزار نسخه خطی را مطالعه و بررسی کرد. برخی نسخه‌ها آنقدر ناقص بود که تحقیق و دقت و سختکوشی بسیار می‌طلبید. تعدادی از مخطوطات هیچ عنوانی نداشت. نه نام مصنف، نه عنوان کتاب، نه تاریخ تصنیف. با این حال او چنین کتابهایی را هم منظور داشته است.

در ترتیب این فهرست علی‌اکبر پانی پتی به «اسپرنگر» کمک بسیار رسانده است. او دانشجوی کالج دهلی بود و هنوز تحصیل او تکمیل نشده بود که دکتر اسپرنگر او را به همراه خود از دهلی به

لکهنو برد. او فردی بسیار قابل، با تجربه و زحمتکش بود. قابلیت و استعداد برجسته او همواره به چشم می‌آمد و قرار بود که در کالج آگره به عنوان استاد زبان عربی استخدام شود، ولی با نهایت تأسف و حدوداً در سی سالگی (در ۱۸۵۲ م.) فوت کرد.<sup>۲</sup>

کتابخانه‌های لکهنو که اینک دیگر مکان و نشانی از آن نمانده است، در کتابخانه گنجینه ادبی حافظ رحمت خان (سردار روئیله) و غازی الدین حیدر<sup>۳</sup> پادشاه آوده موجود بود. این گنجینه ادبی شامل کتابهای سه کتابخانه است: کتابخانه «موت محل» (کاخ مروارید = حاوی بیش از سه هزار کتاب گرانبها)؛ کتابخانه کاخ فرح بخش (که اقامتگاه و محل کتابخانه شخصی غازی الدین حیدر بود و در آن یک هزار کتاب خطی نایاب وجود داشت.) بعدها نسخه‌های خطی این دو کتابخانه که بسیار با سلیقه چیده و مرتب شده بود، به عنوان غنایم پراکنده گردید و از بین رفت. سومین کتابخانه‌های «توب‌خانه»، در نزدیکی اقامتگاه واقع بود که در آن کتابهای خطی نایاب چیده شده بود که دیگر یافتن نظیر آنها بعید به نظر می‌رسد. تمام جلد‌های تاج اللغات<sup>۴</sup> و هفت قلمز را موریا نه خورده است.

تعداد کتابهای «توب‌خانه» بسیار زیاد و شامل تعدادی کتاب به زبان پشتو نیز بود. به قول اسپرنگر تعداد صحیح کتابهای کتابخانه‌های شاهان آوده معلوم نیست. در این دوره رئیس کتابخانه نسبت به کتابها بسیاری موالات و بی‌باک بود و شمارش کتابها و مرتب کردن آنها برایش مهم و خوشایند نبود. اثر این غفلت آن شد که کتابهای مفید و خوب کتابخانه‌ها از بین بروند و به جای آن کتابهای غیر ضروری و ناقص جایگزین شود. دلیل اثبات بدنظمی و نامرتبی آن کتابخانه‌ها این شد که رئیس کتابخانه برای هزینه عروسی فرزندش تعداد زیادی از کتابهای نایاب و

۱. مرحوم دهلی کالج، ص ۴۲.

۲. نقل از دیباچه فهرست آوده.

۳. نواب غازی الدین حیدر (۱۷۷۴-۱۸۲۷ م.) در ۱۸۱۴ م. بر مسند وزارت نشست. وی شاعر نیز بود و علاوه بر غزلیات اشعاری هم در ستایش و تعریف اهل بیت کرام-علیهم السلام- نیز گفته است. اسپرنگر از اشعار اردوی او در فهرست آوده (ص ۶۱۲) سخن گفته است. غازی الدین حیدر فرهنگنامه‌ای هفت جلدی به فارسی به نام هفت قلمز تألیف کرده که هر صفحه آن ممهور به مهر شاهی است که تاریخ ۱۲۳۰ ه. دارد.

۴. این فرهنگ، عربی-فارسی است که مصنف آن نصیر الدین حیدر پادشاه پسر غازی الدین حیدر است. اسپرنگر در دیباچه فهرست خود نوشته که تاج اللغات تنها شامل هفت جلد است.

موجب تعجب است که اسپرنگر چون تنها هفت جلد از تاج اللغات دیده، آن را هفت جلدی دانسته، در حالی که تاج اللغات هشت جلد است و نسخه کامل آن اکنون به شماره ۱۸۷۱ تا ۱۸۷۲ در کتابخانه دانشگاه کشمیر نگهداری می‌شود.

نفیس را به ۱۱۰۰ روپیه فروخت!

اسپرنگر در دیباجه فهرست آورده درباره چاپخانه های دوره خود به اختصار اطلاعاتی روشنگر داده است که این اطلاعات بسیار کارآمد است. بر سر ورق فهرست کتابخانه های آورده ترجمه این عبارات آمده است:

«فهرستی از نسخه ها خطی عربی، فارسی و هندوستانی

کتابخانه های شاهان آورده، تألیف اسپرنگر، ج ۱، ۱۸۵۴»

در فهرست آورده ۷۳۲ نسخه خطی در ۶۵۵ صفحه معرفی شده است. این کتاب پس از دیباجه، با تذکره لباب الالباب به شماره ۷۳۲ شروع و به تذکره نشتر عشق تصنیف حسین قلی خان ختم می گردد.

قصید دکتر اسپرنگر این بوده که فهرست را در هشت باب تقسیم کند، ولی او فقط جلد اول را در سه باب مرتب کرده که در سال ۱۸۵۴ م. در کلکته چاپ شد و از آن زمان تا امروز هیچ چاپ دیگری از آن نشده است. در کتابخانه عمومی امیرالدوله لکهنو یک نسخه غیر مرغوب از آن موجود است که به هنگام تألیف این مقاله از آن استفاده شده است. این چاپ شامل نسخه هایی است که تاکنون هیچ نام و نشانی از آنها نبوده است. گفته شده است که کتابخانه های شاهان آورده به هنگام غدر (جنگ آزادی به سال ۱۸۵۷ علیه انگلیسیها) از بین رفته است.

مهمترین قسمت کتاب بخشی است که شرح احوال شاعران اردو را به اختصار و بدون استناد به نمونه اشعار آنان آورده است. این قسمت از صفحه ۱۹۳ تا صفحه ۳۰۶ کتاب را در بر می گیرد که طفیل احمد ترجمه آن را به نام یادگار شعرا از سوی «آکادمی هندوستانی» در سال ۱۹۴۳ به چاپ رسانید. یادگار شعرا اکنون نایاب است و برخی برآند که آن را دوباره چاپ کنند.

فهرست آورده نارساییهای چندی نیز دارد، ولی این نواقص آن چنان نیست که از اهمیت و مقبولیت کتاب بکاهد. در زیر تفصیل چند نارسایی موجود در آن می آید:

۱. در فهرست اسپرنگر، ص ۱۷۹ چنین آمده است:

«فوت محمد قیام الدین قائم در سال ۱۲۰۷ هـ. یا

۱۲۱۰ هـ. واقع گردید.»

مأخذ اسپرنگر گلشن هند است که سال فوت قائم را ۱۲۱۰ هـ. نوشته است (ص ۱۱۵).

گارسن دتاسی در (خطبات گارسن دتاسی ص ۷۸) واته در (فهرست مخطوطات فارسی ایندیا آفیس لایبری، ج ۱، ص ۳۵۹) نیز به پیروی اسپرنگر سال فوت قائم را ۱۲۰۷ و ۱۲۱۰ نوشته اند که هر دو غلط است. چرا که قائم در سال ۱۲۰۸ هـ. فوت کرده و جرات تاریخ فوت او را به نظم کشیده که از آن تاریخ ۱۲۰۸ هـ.

برمی آید.

بلوم هارت هم به اشتباه سال ۱۲۰۲ را سال فوت قائم آورده است (هندوستانی مخطوطات، ص ۷۴ بلوم هارت ایندیا آفیس لایبری).

۲. در صفحه ۱۸۰ چنین آمده:

«فوت علی ابراهیم خان خلیل در سال ۱۰۰۸ هجری واقع شد.»

سال فوت علی ابراهیم خان را اسپرنگر اشتباه نوشته است، زیرا او در سال ۱۲۰۸ هـ. / ۱۷۹۳ فوت کرد و این امر از قطعه تاریخی که جرات و عشقی سروده اند برمی آید:

ماده تاریخی که عشقی سروده به فارسی است و آن چنین است:

خان ذی قدر صاحب دانش

کرد رحلت چو در ریاض نعیم

گفت سال وفات او رضوان

شد به جنت نعیم ابراهیم

(تذکره عشقی، ص ۲۴۴). ۱۲۰۸ هـ.

۳. در صفحه ۱۸۳ چنین نوشته شده:

«به قول مؤلف گلشن بیخار سال فوت مصحفی ۱۲۴۳ هجری می باشد.»

این سخن اسپرنگر نیز اشتباه است که شیفته سال وفات مصحفی را در تذکره خود نوشته است. شیفته فقط این را نوشته که از فوت مصحفی تا امروز ده سال گذشته است.

ابتدای تألیف گلشن بیخار سال ۱۲۴۸ هـ. است که در سال

۱۲۵۰ هـ. کامل شده است. با این حساب سال وفات مصحفی

۱۲۴۰ هـ. است. (گلشن بیخار، ص ۲۵۲ ترجمه نفیس

آکادمی، کراچی). محمد قدرت الله خان گوباموی (نسیایج

الافکار، ص ۷۰) و محمد حسین آزاد (آب حیات، ص ۳۱۱) نیز

همین تاریخ را پذیرفته اند و ماده تاریخهای سروده شده هم سال

۱۲۴۰ هـ. است. (مصحف معنی ز دنیا گشت گم =

۱۲۴۰ هـ.)

البته این نارساییها حداکثر تا ده مورد می رسد که به حجم اصلی کتاب لطمه چندانی وارد نمی کند.

فهرست آورده شامل سه باب است. در باب اول به بیان

شرح حال شاعران فارسی و اردو پرداخته شده و در باب دوم ذکر

تصانیف چند شاعر فارسی به میان آمده است. باب سوم که

بسیار مهم است به ذکر شاعران بسیار مهم و کتابهای نایاب

اختصاص یافته که همراه با توضیحات لازم است.

در باب اول از مهمترین تذکره های فارسی و اردو، چنین یاد



می کند: لباب الالباب محمد عوفی، بهارستان جامی، تذکره دولتشاه سمرقندی، سنجمل الارواح تصنیف حسین میبدی، جواهر المعانی (تذکره شاعرات فارسی) فخری بن امیری، تحفه الحبيب فخری بن امیری، تحفه سامی، سفینه خوشگو، خلاصه الاشعار وزیاده الافکار تصنیف تقی الدین کاشانی، کلمات الشعراء سرخوش، مرآة الخیال، شیرخان لودی، همیشه بهار کشن چند اخلاص، ریاض الشعراء علی قلی خان واله داغستانی، تذکره حسینی، حسین دوست سنبهلی، تذکره المعاصرین شیخ علی حزین، تاریخ احوال شیخ حزین، سرو آزاد میر غلامعلی آزاد، خزانه هامره میر غلامعلی آزاد، مخزن الغرایب (در متن مجمع الغرایب آمده که اشتباه است) احمد علی هاشمی، انیس العشاق شیخ احمد علی، دیوان منتخب سراج، باغ معانی علی ابراهیم خان، مقالات الشعراء قیام الدین حیرت، آتشکده آذر، انیس الاحباب موهن لال انیس، خلاصه الافکار مرزا ابوطالب، تحفه بیلوی، ریاض الوفاق ذوالفقار علی مست، صبح وطن سراج الدوله محمد غوث خان، گلستان مسرت ملقب به حدائق المعانی عبدالرحیم شاکر، مجموع نیاز تصنیف میر، حدیقه عشق افروز نظام الدین خان، نکات الشعراء میر تقی میر، تذکره عیار الشعراء خوب چند ذکا، عمده متخبه اعظم الدوله سرور، مجموعه نغز قاسم، طبقات سخن محی الدین قریشی عشق، دیوان جهان بینی نرائن، گلدهسته نازنین مولوی کریم الدین، گلدهسته نشاط متوالال، گلشن بیخار شیفته، گلشن بی خزان حکیم سید غلام قطب الدین باطن، انتخاب دواوین مولوی امام بخش صهبائی، تذکره شعرای هند کریم الدین، چمن بی نظیر محمد ابراهیم، تذکره یوسف علی. تصانیف ذکر شده بالا در فهرست از صفحه اول تا صفحه ۱۹۲ آمده است.

باب دوم ذکر شاعران فارسی است که دارای آثار باارزشی هستند از جمله: ترجمه تکمله رباعیات ابوسعید ابوالخیر، دیوان آذری (جلال الدین حمزه)، دیوان آفرین، دیوان آفتاب (این دیوان فارسی شاه عالم پادشاه دهلی - سال ۱۱۷۳ هـ. تا ۱۲۰۱ هـ. و کل صفحات آن ۲۸۸ صفحه ۱۰ سطری است). دیوان ناصر علی، دیوان فانی کشمیری.

در باب سوم کتاب، تصانیف شاعران اردو مورد بحث قرار گرفته که از شماره ۵۷۶ تا ۷۳۲ را شامل است و چون این بخش درباره تحقیق و ادب اردوست، به تفصیل تمام آمده است؛ به عنوان نمونه می توان از: نگارستان عشق تصنیف مرزا مهدی حسن خان آباد لکهنوی، مثنوی مرزا عباس، دیوان آبرو، مثنوی مبارک شاه، دیوان آصف (نواب آصف الدوله)، دیوان افسوس، منظوم اقدس شاه عالم آفتاب، دیوان آفتاب و ... یاد کرد.

در فهرست آورده از چند نسخه خطی مفید و نایاب یاد شده است که امروزه موجود نیست؛ از قبیل:

۱. طبقات سخن (ص ۱۸۷) از: عشق

نام مؤلف تذکره شیخ غلام محی الدین قریشی است. او ساکن «میرتهه» بود. نام پدر او شیخ نعمت الله خان بود. او شاعر بلند پایه فارس بود و «نعمی» تخلص می کرد. شیخ غلام محی الدین در ابتدا «مبتلا» تخلص می کرد اما بعدها به دلایلی آن را به «عشق» تغییر داد. «عشق» در فارسی نیز یک مثنوی تصنیف کرد که در آن قصه شاهرخ و ماهرخ را به نظم درآورد. این مثنوی شامل ۱۷۰۰ بیت است و نام آن فسون عشق است.

«عشق» برای شاعران فارسی نیز یک تذکره فراهم آورده که نام آن هم فسون عشق است. نام تاریخی این تذکره باغ گلهای حسن است که در سال ۱۱۸۷ هجری چاپ شده است. این کتاب مشتمل بر ۱۲۸۰ صفحه است. «عشق» همچنین کتابی در ۲۰۰ صفحه در فن انشا تصنیف کرده که نام تاریخی آن چهار دفتر شوق است و مربوط به بعد از سال ۱۱۹۹ هـ. است. او در فن تاریخ گوئی نیز یک رساله به نام سرائر نسخه و در سال ۱۲۲۰ هجری دو رساله به نام بحار تشریح و عشیات العشق تصنیف کرد. طبقات سخن تذکره معروف و مشهور شاعران فارسی و اردو نام تاریخی تذکره است که در سال ۱۲۲۲ هجری انتشار یافته است که به دو طبقه تقسیم می شود:

طبقه اول، شرح حال بیش از یک صد شاعر اردو زبان است و طبقه دوم مربوط به شاعران فارسیگوی زمان مؤلف است. مطالبی که «عشق» در این تذکره آورده صرفاً اطلاعات شخصی خود اوست و در تألیف این تذکره از هیچ تذکره ای استفاده نکرده است. نام و نشان این تذکره تاکنون یافت نشده است. گارسن دتاسی نیز هیچ نسخه ای از این کتاب به دست نیاورده است. (خطبات گارسن دتاسی، به کوشش دکتر عبدالحق، ص ۸۸).

۲. منظوم اقدس (ص ۵۷۶)

این مثنوی پادشاه شاه عالم متخلص به آفتاب<sup>۵</sup> است. نام

۵. آفتاب - شاه عالم پادشاه این عالم گیر ثانی متخلص به آفتاب، ۲۲ سال بر هندوستان حکومت کرد در عدل و انصاف شهرت داشت (گلشن سخن، مبتلا لکهنوی، نوشته ۱۱۹۴ هـ.، ص ۵۰)، نام اصلی شاه عالم «عالی گهر» بود. شاه عالم به زبان فارسی و اردو شعر می گفت و در هر دو زبان صاحب دیوان است. در بارگاه او میر غالب علی خان سید تخلص، ممتون، احسان و فقیر حضور داشتند و از اشعار پادشاه بهره مند می شدند. آفتاب را در قصیده، غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی، سخنان مستند پندآموز و چیستان گوئی مهارت بسیار بود. علاوه بر این مناقب، سلام و مرثیه نیز می گفت. او در نثر قصه شجاع الشمس را نیز تصنیف کرد. (عمده متخبه، ص ۳).

این دیوان اردوی محمد ظهیرالدین بخت اظفیری است. نامبرده از اولاد اورنگ زیب عالمگیر بود. دیوان حاوی غزلیات و تعدادی رباعیات است. اظفیری تا سال ۱۲۱۱ هـ. زنده بوده است.

#### ۹. دیوان صادق علی صادق (ص ۶۰۳)

صادق علی صادق ملازم پادشاه غازی الدین حیدر بود. او شاعری بسیار خوشگو و خوشنویسی برجسته بود و برای پادشاه کتابهای زیادی تحریر کرد. پادشاه نیز به او حقوق منظم و خوبی می داد. کتابهای او در کتابخانه فرح بخش موجود هستند. علاوه بر غزلیات، دیوان صادق شامل مثنوی، قصاید، فردیات و قطعات است. یک قطعه تهنیت هم به مناسبت جلوس پادشاه بر تخت سروده است.

#### ۱۰. اشعار اردوی غازی الدین حیدر (ص ۶۱۲)

غزلیات پادشاه غازی الدین حیدر در اشعار اردو جای ویژه ای دارد. بیشتر این اشعار در تعریف اهل بیت رسول (ره) و مناقب هستند. این کتاب در کتابخانه فرح بخش است. تعداد صفحات آن ۲۰۰ است و در هر صفحه ۴ بیت شعر اردو است.

#### ۱۱. مرثیه های هوشدار (ص ۶۱۳)

مجموعه مرثیه های هوشدار است. تعداد ابیات آن ۱۵۳، تعداد صفحات ۱۷ و هر صفحه مشتمل بر ۹ بیت است.

#### ۱۲. مرثیه های مسکین (ص ۶۲۲)

این اثر مجموعه مرثیه های میر عبدالله مسکین است. این مرثیه در ۱۰۰ صفحه و هر صفحه مشتمل بر ۱۶ بیت است. مرثیه های مسکین مجموعه ای است شامل ۵۰۰ صفحه و هر صفحه ای دارای ۱۲ بیت.

#### ۱۳. دیوان سلیمان (ص ۶۳۸)

دیوان شهزاده سلیمان شکوه در سال ۱۲۲۵ هـ. مرتب شده است. در ۲۰۰ صفحه آن غزلیات، در ۴۰۰ صفحه مرثیه و در ۱۲ صفحه قصایدی در ستایش ائمه معصومین آمده است.

#### ۱۴. مصحفی (ورق ۱۱۲ ب)

سخنور اولوالعزم، ناظم نظم میان غلام همدانی متخلص به «مصحفی» ولد ابن درویش محمد خاقانی ثانی شاگرد میان مافی ... او به وسیله سرودن اشعار به نام عزیزان و ارسال آن به اطراف هندوستان امرار معاش می کرد.

تاریخی مثنوی منظوم اقدس است. در این مثنوی قصه مظفر شاه، شاه چین را نظم کرده است ...

#### ۳. دیوان آفتاب (ص ۵۷۶)

این اثر دیوان اشعار اردوی پادشاه شاه عالم است.

#### ۴. دیوان احقر (ص ۵۹۹)

این دیوان اشعار اردوی میر حسن شاگرد میرزا جواد علی احقر است. احقر در یک بیت اظهار شکرگزاری میر حسن را کرده است. کل صفحات دیوان ۱۲۸ و در هر صفحه ۱۲ بیت وجود دارد. این دیوان در کتابخانه «موتی محل» بود.

#### ۵. دیوان احسن (ص ۵۹۹)

(نام میرزا احسن علی و تخلص «احسن» است. بسیار خوش تقریر و خوش تحریر بود ...) این دیوان اردوی میرزا احسن متخلص به احسن است. در آن علاوه بر غزلیات شامل چند قصیده در تعریف و ستایش حضرت علی (ع)، نواب شجاع الدوله، نواب آصف الدوله و حسن رضاخان سرفراز الدوله است. جز این در دیوان او هفت مثنوی مختصر چون: مثنوی بینوا، مرد ظریف، ذکر خیر و برکت است ... دیوان احسن در ۱۲۷۷ هـ. تحت نظارت قمرالدین خان قمر معروف به میرزا حاجی نقل شده است.

#### ۶. مثنوی سراپاسوز (ص ۵۹۹)

این اثر تصنیف قاضی محمد صادق اختر متخلص به «اختر» قاضی بنگال است که در سال ۱۲۳۱ هـ. نظم شده است. «اختر» تا سال ۱۸۵۰ زنده بود. او در تعریف پادشاه غازی الدین حیدر سرپرست خود محامد حیدری را به نثر تصنیف کرد. علاوه بر این او در اثری به نام صبح صادق به فارسی فصیح و عالی سوانح عمر خود را نیز نوشته است. وی یک تذکره نیز به نام هفت اختر تألیف کرده است. مثنوی سراپاسوز شامل ۵۶۰ بیت است.

#### ۷. قصاید علی حیدر (ص ۶۰۰)

این قصاید نصیرالدین حیدر پادشاه آوده است. که آنها را در مدح امامان معصوم (ع) سروده است. پادشاه تخلص خود را «علی حیدر» یا «علی» کرده بود. این نسخه خطی در سبک بسیار برجسته و باشکوه شامل ۶۰۰ صفحه است. این نسخه زینت بخش کتابخانه فرح بخش است.

در کتابخانه «توب خانه» اثری است که در آن علاوه بر مرثیه، روایت حضرت فاطمه (ع)، روایت شبیه ساختن، حضرت عباس، روایت زن یهودی و روایات معجزه و غیره بر مذاق شیعه به نظم درآمده است.

#### ۸. دیوان اظفیری (ص ۶۰۲)

